

روزی که امنیه در ایران کار خود را آغاز کرد

روز اول فروردین سال 1301 خورشیدی تشکیلات جدید امنیه تحت نظر وزارت جنگ آغاز به کار کرد.



روز اول فروردین سال 1301 خورشیدی تشکیلات جدید امنیه تحت نظر وزارت جنگ آغاز به کار کرد.

امنیه واژه‌ای عربی است و از مصدر «امنیت» به معنی «در امان بودن» گرفته شده. در تشکیلات نظامی ایران، این عنوان برای سربازانی به کار می‌رفت که مأمور حفظ نظم و آرامش و امنیت در راه‌ها و جاده‌های خارج شهر و نیز در بخش‌ها و روستاها بودند. در ابتدا نام این نیروها «ژاندارم» و نام تشکیلات نظامی‌شان «ژاندارمری» بود. اما بعد از کودتای سال 1299 ش که رضاخان پهلوی را در جریان آن به وزارت جنگ رسید، ژاندارمری را با نیروهای قزاق که تحت امر او بودند یکی کرد تا تمام نیروهای نظامی را زیر فرمان خود داشته باشد. یک سال بعد، وقتی که او «فرمانده کل قوا» شد، برای نیروهای مسلح نام «قشون دولت ایران» و برای افراد نظامی هم نام «قشونی» را انتخاب کرد. اما مدت کوتاهی بعد از آن در 27 بهمن 1300 حکم تشکیل «اداره امنیه» زیر نظر وزارت جنگ صادر شد.

از اول فروردین 1301 «تشکیلات مرکزی امنیه کل» در شمس‌العماره تهران و به ریاست سرتیپ علی نقدی «سردار رفعت» کار خود را با هفت هنگ امنیه در جاهای مختلف کشور و هنگ‌ها و گردانهای مستقل - که به طور مستقیم زیر نظر امنیه کل بود - آغاز کرد. رئیس امنیه کل مملکتی مسائل مهم را خود شخصاً به شاه گزارش می‌داد. نقدی از امرای قدیمی و با سابقه قزاقخانه بود که در زمان به توپ بستن مجلس با درجه میرپنجی جزء محافظان مجلس و مسجد سپهسالار بود. او پس از شهریور 1320 و سقوط رضا شاه از ارتش تصفیه شد.

در سال 1318 ش ادارت مرکزی امنیه منحل و هنگ‌ها و گردانهای مستقل آن در هر جا جزء لشکرها و تیپهای مستقل همان منطقه شد و در ستاد هر لشکر شعبه‌ای به نام «امور امنیه» تأسیس گردید. این شعبه به کارهایی که پیش از این از وظایف واحدهای امنیه بود، رسیدگی می‌کرد.

دو سال بعد، یعنی در سال 1320 ش در اوج نا امنیها و ناآرامیهای کشور بار دیگر «امنیه کل کشور» تأسیس و گردانها و هنگهای آن از ارتش جدا شده و دوباره زیر نظر اداره امنیه قرار گرفت. این بار اداره امنیه چه از نظر مالی و چه از نظر تشکیلات دفتری زیر نظر وزارت کشور قرار گرفت.

در سال 1321 بار دیگر «امنیه کل مملکتی» به «ژاندارمری کل کشور» تغییر نام داد و نیروهای آن که امنیه خوانده می‌شدند «ژاندارم» نام گرفتند. این تشکیلات اگر چه زیر نظر وزارت کشور بود اما همیشه جزئی از ارتش ایران به حساب می‌آمد و تمام مقررات و قوانین ارتش در آن رعایت می‌شد و وظایف آن طبق آیین نامه‌های نظامی حفظ نظم و امنیت در حوزه استحفاظی و راه‌ها و جاده‌ها و کنترل و مراقبت از مرزها بود.

حوزه نفوذ و قدرت امنیه‌ها بیشتر، روستاها و بخشهای کوچک در سراسر ایران بود. قدرتی که اغلب اوقات بی‌رقیب بود و سایه هراس از آن، روستاییان و عشایر ساده را که هیچ پشتیبانی هم نداشتند به اطاعت و گردن گذاشتن به زیاده‌خواهی‌ها و سوء استفاده‌های آنان وادار می‌کرد. امنیه‌ها معمولاً با مالکان، زمین‌داران یا خانهای منطقه روابط نزدیکی داشتند و از منافع هم در مقابل روستاییان حمایت می‌کردند. برای روستاییان ایستادگی در برابر آنها مجازات سختی داشت؛ مجازاتی که آنها خود تعیین و اجرا می‌کردند. معمولاً این مجازات‌ها آن قدر شدید بود که جرئت و جسارت مخالفت را در دیگران از بین می‌برد. تأثیر این خشونت‌ها چنان بود که مردم برای ترساندن کودکان‌شان از اسم «امنیه» استفاده می‌کردند.

نیروهای امنیه در زمان اجرای قانون کشف حجاب چنان شدت و سختگیری از خود نشان دادند که خاطره‌اش تا سالهای سال در ذهن مردم ماند. بسیاری از زنان را خانه‌نشین کرد و این رفتار، امنیه‌ها را در چشم مردم ایران به سمبل سرکوبگری و خشونت تبدیل کرد نه نیرویی که بودنش وعده آرامش، امنیت و صلح می‌دهد.

در تمام دوران پهلوی، ژاندارمری مسئول تامین امنیت بیرونی شهرها و حفظ و تامین راه‌ها و اماکن برون شهری بود و شهربانی همین مسئولیت را در داخل شهرها بر عهده داشت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی این دو نهاد با مجموعه دیگری به نام کمیته انقلاب اسلامی در 20 خرداد 1370 در هم ادغام شدند و با مصوبه ای در مجلس شورای اسلامی تشکیل «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» دادند.

منابع: «دایره المعارف انقلاب اسلامی»، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج 1، چاپ 1384، ص